

### ■ چکیده :

خانواده ، جامعه ی کوچکی است در خدمت جامعه بزرگ (اجتماع) است و کانون گرم و معنوی آن ، خاستگاه و رویشگاه فرزندان صالح و خدوم و مسوولیت پذیر است ، بر همین اساس خداوند در باب رفتار و رسالت خانوادگی والدین فرمان های زیادی صادر فرموده و در زبان رسول اعظمش (ص) و بیان پیشوایان معصوم (ع) مکرر بر آن تأکید شده است ( یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا) ۱ ( تحریم ۶/ ) ای کسانیکه ایمان آورده اید نگه دارید و مراقب باشید خودتان و خانواده خودتان را از آتشی که هیزم آن سنگ ها و مردمان هستند . و همچنین آمده است که ( و انذر عشیرتک الاقربین) ۲ (شعرا/۲۱۴) و خویشان نزدیکتر را انذار کن

در این مقاله ابتدا طرح تکاملی اسلام برای انسان و هدف های حکیمانه آن مطرح و سپس نقش تربیتی و معنوی زوجین در نهاد خانه و خانواده و راهکارهای تعامل درست با فرزندان شامل مهر ورزی ، هم بازی شدن ، عدالت ورزی ، رعایت حقوق و پرورش و رشد معنوی خانواده ارائه گردیده است .

### ■ کلید واژه:

رسالت زوجین ، خانواده الهی ، تعامل با فرزندان

### ■ مقدمه:

طرح تکاملی که اسلام برای انسان دارد ، در چند حیطة شکل می گیرد :

ارتباط با خدا ۲- ارتباط با خود ۳- ارتباط با خانواده ۴- ارتباط با خلق

رسالت خانوادگی شما ، فرمان های زیادی صادر فرموده و در زبان رسول اعظمش(ص) و بیان پیشوایان معصوم (ع) مکرر بر آن تأکید شده است (ای کسانی که ایمان آورده اید نگه دارید و مراقب باشید خودتان و خانواده خودتان را از آتشی که هیزم آن سنگ ها و مردمان هستند).

رسالت نخست هر کس متوجه شخص خودش می باشد که باید خود را رها و عبث و نا نگذارد و بی برنامه و مهمل و سست و غافل و فراموش زده نباشد. فضای زندگی آخر الزمان مانند گازهای مسمومی است که لوله بخاری آن را به اتاق برگرداند . ابتدا بی حالی و خواب زدگی حاکم می شود و فرد توهم می کند که با تن دادن به استراحت ، مشکلش حل خواهد شد ؛ حال آنکه خوابیدن همان و طعمه گاز های مرگ بار شدن همان

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی ؟ ره ز که پرسی ؟ چه کنی ؟ چون باشی ؟

#### ■ رسالت زوجین :

رسالت زوجین در کانون گرم و معنوی خانواده ، رویش و تربیت فرزندان صالح و خدمت است ؛ گر چه آنگونه که از قرآن و تاریخ بر می آید استثناء دارد ؛ مانند سقوط همسر و فرزند حضرت نوح (ع) ، قتل هابیل توسط قابیل و حسادت برادران حضرت یوسف نبی (ع) (الا برخی) و ... مخصوصاً داستان این سقوط ها ذکر شده است که چند چیز را الهام می کند :

الف) مختار بودن انسان: داشتن خانواده خوب ، صد در صد باعث ، خوب شدن فرزند نمی شود ( علت تا م خوب شدن نیست)

ب) همیشه این ماجرا تکرار می شود و نباید خانواده هائی که برای معنوی شدن فرزندانشان کوشش کامل کرده اند و فرزندانشان نا صالح شده ، ملامت کرد خداوند

در صورتی انسان به هدف آفرینش خود ، نزدیک می شود که در چهار ارتباط ذکر شده ، نمره عالی کسب کند ، کسی نمی تواند دل خوش بدارد که در ارتباطات چهار گانه بالا ، یک معدل هم کفایت می کند ، با این توضیح که من سعی می کنم در ارتباط با خدا نمره بیست کسب کنم و در ارتباط با خودم نمره هجده و در دو ارتباط دیگر (خانواده و خلق ) دو نمره ده کافی است که معدل کل چهار نمره را به چهارده و نیم برساند و ما را بس است .

در غیر نظام تربیتی و تکاملی اسلام ، این محاسبه جواب می دهد ولی در اسلام هرگز! توضیح مطلب اینکه : چگونه کسی که در ارتباط با خلق خدا ، نمره ده کسب کرده ، می تواند مدعی شود که در تعامل با خدا ، بیست گرفته است ؟ مگر روح تسلیم در برابر پروردگار ، یک حقیقت یگانه نیست ؟ اگر فردی در یک حیطة به گمان خودش ، نمره عالی داشته باشد ، فرمان های خدا را در حیطة های دیگر چه می کند ؟ آیا کسی که به فرمان های خدا در باب ارتباط و خدمت به خانواده و خلق عمل نکند ، ایستادن او در برابر خدا که (فقط تو رامی پرستیم ) صادقانه است ؟ دقیقاً مثل این است که پدری چهار دستور به پسرش بدهد و او دو مورد را نصف و نیمه رها کند و بعد در برابر پدر بایستد و بگوید فقط از شما فرمان می پذیرم و در بست مطیع شما هستم ؟

آیا نمره تعامل با پدرش می تواند بیست باشد ؟ همه مقصد نگارنده این است که تا فردی در همه ی فرمان های خدا ، صداقت اطاعت را به نمایش نگذارد ، نمی تواند صادقانه، (ایاک نعبد) بگوید فقط تو را می پرستیم) پس حاصل اینکه اطاعت از خدا، (بسیط و یک حقیقت یگانه و تجزیه نا پذیر ) است، نه مرکب و قابل تفکیک و تجزیه

ای والدین گرامی : خداوند در باب رفتار و

می داند<sup>۵</sup> . در فقه شیعه ، وارثان طبقات ویژه ای دارند که بدین وسیله وارث ؛ نزدیکتر آن را لحاظ نماید و بدین شکل میان کل خانواده بزرگ زمینه توجه خاص به طبقات نزدیکتر فراهم می آید .

**\*۳- خانه و خانواده آزمایشگاه ارتقاء :**

خداوند با آزمایش قرار دادن ( مال و فرزند) موجبات سقوط یا صعود زوجین را فراهم فرموده است . مال و فرزند عزیز است و طبیعی است که گرمی و محبوب باشد اما افراط یا تفریط در مهرورزی، رعایت حقوق و خروج از اعتدال ، موجب مردود شدن انسان در آزمون الهی می شود. ( انما اموالکم و اولادکم فتنه )<sup>۶</sup>

**\*۴- خانه و خانواده معراج گاه مرد برای تقرب به خدا :**

در میان آیات و روایات، دسته ای از آنها عنایت صاحب خانواده را به اهل خود ، ستوده است . رسول الله (ص) فرموده اند: (جلوس المرء عند عیاله احب الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا)<sup>۷</sup> نشستن هدفمند و با برنامه مرد پیش همسرش ، در پیشگاه خداوند ، محبوبتر از اعتکاف در مسجد النبی (ص) است . رسول اکرم (ص) با عدالتی که در برخورد با همسرانشان داشتند ، می نشستند و سخن آنها را گوش می کردند و گام ابهام های آنان را می زدودند و به این وسیله به خدا مقرب می شدند . پس می توان با عنایت به محور تربیت فرزندان و توجه به خدا تقرب جست و همچنین از حضرت رسول (ص) روایت شده که حضرت فرمودند: ( ان الرجل لیوجه فی رفع اللقمه الی فی امراته )<sup>۸</sup> قطعاً مرد با نهادن لقمه در دهان همسرش در پیشگاه خدا ( صاحب اجر است) این حرکت

در اولین گام تبلیغی رسولش ، فرمان می دهد که : (( و انذر عشیرتک الاقربین ))<sup>۳</sup> (شعرا/۲۱۴) ( و خویشان نزدیکتر را انذار کن ) تا چند سال ، تنها زن همراه رسول خدا (ص) و تنها نورسته ایمان آورده به ترتیب حضرت خدیجه همسر رسول اکرم (ص) و حضرت امیر المومنین علی (ع) بودند که رسالت نبوی می طلبد که در آغاز ، فیض وحی و رسالت به آنان برسد .

**■ هدف های حکیمانه الهی در نهاد خانه و خانواده :**

خانواده الهی خانواده ای است که منطبق با هدف های حکیمانه الهی در نهاد خانه و خانواده حرکت نماید . خداوند هدف هائی را برای رشد و ارتقاء نهاد خانه و خانواده مقرر داشته که به ترتیب عبارتند از :

**\*۱- شکوفائی استعداد محبت :**

خداوند با شکوفائی استعداد محبت به کانون خانواده و بقای آن گرمی می بخشد ، دستورات الهی به رسول الله (ص) در محبت های ویژه به حضرت زهرا (س) از جمله این دستورات قرآنی است که می توان سوره کوثر را به عنوان نمونه ذکر کرد .

( بسم الله الرحمن الرحیم \* انا اعطیناک الکوثر \* فصل لریک وانحر \* ان شانئک هو الاپتر )<sup>۹</sup>

ای رسول (ص) ما به تو خیر فراوان دادیم و آن عطیه الهی است ( حضرت فاطمه الزهرا(س) که باید به شکرانه آن نماز بخوانی و قربانی کنی

**\*۲- توجه خاص به اولوالارحام :**

خداوند این مهم را با قانون ارث که شامل انبیاء هم می شود برقرار ساخته است . با این قانون پیوند های عاطفی و محبتی میان وارثان و ارث گذاران تحکیم می گردد . خداوند برخی از اولوالارحام را نسبت به برخی دیگر (اولی)



، برای همیشه از خاطر زن زدوده نمی شود و باعث گرمی او در خدمت رسانی مهربانانه به کودکان و سایر فرزندان خانه خواهد شد و از همه بهتر ، وسیله تقرب به خدا می شود .

\*۵- شکوفائی استعداد وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری :

خانواده محل شکوفائی استعداد وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری است تا فرزندان صالح عهده دار تکالیف مهم در صحنه اجتماع گردند . زمینه ی شکوفائی این استعداد در خدمات متقابل زوجین در محیط خانه و خانواده به هم شکل می گیرد . از امام صادق (ع) نقل شده است که : ام سلمه از رسول اکرم (ص) در باب فضیلت خدمت زنان به شوهرانشان سوال کرد که حضرت فرمودند : ( ایما امرته رفعت من لبيت زوجها شیئا من موضع تريد به صلاحا الا نظر الله اليها و من نظر الله اليه لم يعذبه ) هر زنی که از خانه شوهرش به قصد سامان دهی ، چیزی را جا به جا کند ، خداوند به او نظر دارد و هر کس خدا به او نظر داشته باشد عذابش نمی کند (

مستحبات مربوط به آغاز تولد و توجهات تربیتی به فرزندان از بدو تولد تا مرحله بلندی و آستانه استقلال همه حکایت از نوعی وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری دارد که اگر به صورت صحیح و مطلوب انجام گیرد ثمرات آن عاید خانواده و اجتماع می گردد.

■ راهکارهای تعامل درست با فرزندان :

۱- مهر ورزی : امام صادق (ع) : (ان الله ليرحم العبد لشدته حبه لولده) <sup>۱۰</sup> خداوند به بنده اش به دلیل مبحث شدید او به فرزندش لطف و رحمت می کند . این شدت حبّ در آن اندازه نیست که محبت خدا تحت شعاع آن قرار گیرد ؛ زیرا خداوند در قرآن کریم فرموده است : (والذین آمنوا اشدّ حبا لله) <sup>۱۱</sup> و کسانی که ایمان آوردند ، محبتشان به خدا ، شدید تر است . ملاک این است که اگر در راه خدا ، فرمان نثار فرزند فرا برسد ، با علاقه ای که به فرزند دارد او را تقدیم خدا می کند ؛ چونان سید الشهداء(ع) و ابراهیم نبی (ع)

آری وظیفه شرعی زنان ، کار کردن در منزل نیست اما اجر عظیم مشارکت در کار های خانه و خانواده ، وجدان آنان را تحت تأثیر قرار می دهد و مردان نباید از این روحیه ی خدمتگزاری ، استفاده غیر صواب کنند بلکه بایستی همواره در تکریم همسر و خدمت متقابل به او بکوشند و این عملکرد زیبا سبب ساز وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری فرزندان و رشد بهینه آنها در جامعه می گردد . همچنین از سویی فعالیت هائی که زوجین در تشکیل و تشکل نهاد خانواده انجام می دهند که آیات و روایات هم بطور گسترده به آن پرداخته اند مانند ظرافت در انتخاب همسر به عنوان شریک زندگی و سهم داربودن در تربیت فرزندان ، مراقبت های ویژه در دوران بارداری و

مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید و گفت من هرگز کودکانم را نبوسیده ام، وقتی آن مرد از پیش رسول اکرم(ص) رفت ، آقا فرمودند :این مرد از نظر من اهل آتش است . بوسیدن بچه ، زدن مهر بر قلب کودک است که او را دوست داریم ؛ به همین سبب رخساره و حرکات ظاهری او ، نشان دهنده ، شاد بودن او را در اثر بوسیدن پدر و مادر است . پرنکردن این خلا مهر خواهی کودک ، بحران هایی را برای کودکان در همان سن و در هنگام بزرگی ایجاد خواهد کرد ؛ پناه بردن به کسانی که به او مهر بورزند ؛ یکی از این پی آمد های ناخوشایند است که گاهی منجر به مفسده هایی می شود .

این محبوب تر بودن را آنان با زیرکی فهمیده بوده اند نه اینکه در ظاهر حرکات حضرت یعقوب، شفاف باشد .

البته در سریال یوسف پیامبر (ساخته آقای سلحشور)، شور بیشتری یافته و حتی بینده هم چنین توهمی کرده که محبوب تر بودن یوسف بطور شفاف در حرکات حضرت یعقوب نمایان می شده است . محبوب تر بودن به دلیل معنویت بالاتر ، مذموم عقل نیست، زیرا خداوند هم در قرآن کریم می فرماید : تواین، پاکی طلبان، توکل کنندگان ، مجاهدان نیکو کاران و ...<sup>۱۵</sup> خداوند دوست دارد و امام علی (ع) در آغاز خطبه ۸۷ نهج البلاغه می فرماید : از جمله محبوب ترین بندگان خدا در پیشگاه خدا ، بنده ای است که چنین و چنان باشد

پدر و مادر نباید ، در احسان و عدالت و ترحم میان آنان فرق بگذارند و اگر از میان آنها ، یکی محبوب تر است ، در برخورد و عملی نباید شفاف باشد که این نکته را حضرت یعقوب و هر عادل دیگری رعایت کرده است .

۴- رعایت حقوق : امام علی(ع) می فرماید: (حق الولد علی الوالد ان یحسن اسمه و یحسن ادبه و یعلمه القرآن)<sup>۱۶</sup> (حقی که فرزند بر والد دارد این است که ، اسم او را نیکو بنهد و او را نیکو تربیت کند و به او قرآن بیاموزد )

۵- پرورش و رشد معنوی : رسول خدا (ص) فرمودند : (ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال : حب نبیکم و حب اهل بیته و قرائه القرآن)<sup>۱۷</sup>

فرزندانتان را بر اساس سه خصلت ، تربیت کنید : (عشق به پیغمبر ۲ - عشق به اهل بیت او ۳ - قرائت قرآن

کلمه تأدیب دو مورد استعمال دارد :

۲- بازی با کودکان : رسول اکرم(ص) فرمودند: (من کان عنده صبی فلیتصاب له)<sup>۱۲</sup> هر کس ، کودکی دارد، باید با او کودکی کند

چونکه با کودک سر و کارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

کودکی که این خاطرات را از پدر و مادر در ذهن خود نگه می دارد، در هنگام رشد و بالندگی ، همیشه این احساس صمیمیت را با والدین در خود احساس می کند و این احساس ثمرات فروانی دارد که از جمله آنها محرم داشتن پدر و مادر در بازگو کردن رازها و درد دل ها و نیاز ها است .

۳- عدالت ورزی در تعامل با فرزندان : رسول اکرم (ص) فرمودند : (اتقوا الله واعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان یُبروکم)<sup>۱۳</sup> جانب خداوند را نگه دارید و میان فرزندانان به عدالت برخورد کنید همان سان که دوست دارید با شما با نیکی برخورد کنند .

کمتر از این و فراتر از این ( افراط و تفریط)، هر دو معضل آفرین است و باید پرهیز شود . توهم برای عده ای پدید آمده است که نعوذ بالله برخورد و غیر عادلانه حضرت یعقوب با فرزندان ، موجب تشدید در حسادت در آنها شد و نهایتاً به نتیجه رسیدند که یوسف را در چاه مخفی کنند، حال آنکه قرآن از زبان برادران یوسف می فرماید : (ان قالو لیوسف و اخوه احب الی ایینا منا...)<sup>۱۴</sup>

( آنگاه که ) برادران یوسف گفتند که : یوسف و برادرش ، پیش پدرمان ، محبوبتر از ما هستند ...)

یقیناً کسی که آینده درخشانی دارد و پیامبر برگزیده خدا خواهد شد و این را حضرت یعقوب می داند و برادر او که قطعاً کمالاتی داشته است که برادران او نداشته اند ، محبوب تر است .

۱- متنبه و متوجه کردن از طریق برخورد مناسب

۲- تربیت کردن و مودب کردن به آداب انسانی و الهی

در بیشتر استعمال‌ها، مقصود، مورد دوم است؛ از جمله آنها در حدیث مذکور. گونه‌ای آنان را رشد دادن که محبت و عشق به الگو و سمبل انسانیت (رسول خدا (ص)) و پیشوایان بر حق (ع) در آنان نهادینه شود.

پشتوانه این محبت، راهیابی به قرآن و انس با این سرخط‌های تمام ارزش‌هاست که آگاهی‌ها را با عشق و محبت نسبت به خدا و رسول و ائمه عجبین می‌نماید.



- ۱- سوره تحریم، آیه ۶
- ۲- سوره شعراء، آیه ۲۱۴
- ۳- همان
- ۴- سوره کوثر، آیات ۱ تا ۴
- ۵- سوره انفال، آیه ۷۵
- ۶- سوره انفال، آیه ۲۸
- ۷- تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲
- ۸- محجه البيضاء، ج ۲، ص ۷۰
- ۹- یحارر الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۱
- ۱۰- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۰
- ۱۱- سوره بقره، آیه ۱۶۵
- ۱۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۲
- ۱۳- میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۰۶
- ۱۴- سوره یوسف، آیه ۸
- ۱۵- قرآن کریم، سور مختلف
- ۱۶- نهج البلاغه، حکمت ۳۲۹
- ۱۷- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۰۲۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی